

«عسکریه» ثبت ملی باقی ماند؛ اما دیگر یادگارهای مرحوم علی اصغر عابدزاده چه وضعیتی دارند؟

میراثی که باید برای مشهد ما بماند

سیده نعیمة زینبی| پس از ثبت مدرسه «عسکریه» حاجی عابدزاده در فهرست آثار ملی ایران به سال ۱۳۹۹، این اثر بر سر زبان‌ها افتاد اما مالکان آن که رضایتی از این کار نداشتند، برای خروج این مدرسه از ثبت ملی تلاش کردند؛ مسئله‌ای که چند روز پیش با پایان کار پرونده شکایت، تحقق نیافت و، عسکریه ثبت ملی ماند، را به تیتیر جرایدی تبدیل کرد که سرنوشت این بنای میراثی را

در کش و قوس‌های قضایی دنبال می کردند. ملی ماندن عسکریه سبب شد در گزارشی، جدای از بررسی بنای عسکریه، از وضعیت دیگر بناهایی بگوئیم که به همت حاج علی اصغر عابدزاده پا گرفتند و حالا به بخشی از تاریخ و هویت شهرمان تبدیل شده‌اند. اما پیش از این بگذارید گریزی بزنییم به آنچه این مرد در مشهد رقم زده است؛ مرحوم حاج علی اصغر عابدزاده، آرزوی

ساخت چهارده مدرسه به نیت چهارده معصوم^(ع) در چهارده نقطه شهر را داشت که از آن میان، ساخت دوازده مدرسه با واقعیت پیوند خورد. کودکان زیادی در سال‌های ۱۳۲۵ (که نخستین بنا با نام مهدیه سقف و ستون خورد) تا سال ۱۳۴۹ (که دوازدهمین مدرسه با نام جعفریه پا گرفت) با شخصیت مذهبی و محکمی آشنا شدند که حالا در سنین میان سالی

و کهنسالی، خاطرات او را به تک تک خانه‌های این شهر می‌برند و بازگو می‌کنند. به لحاظ معماری و قدمت، ممکن است بعضی آثار باقی‌مانده از او جایگاه خاصی در میان آثار ملی ایران نداشته باشد اما نمی‌توان از تأثیر هویتی، مذهبی و فرهنگی بناهای عابدزاده بر زمانه خودش و حتی اکنون چشم پوشید.



سرنوشت مدرسه‌ها چه شد؟

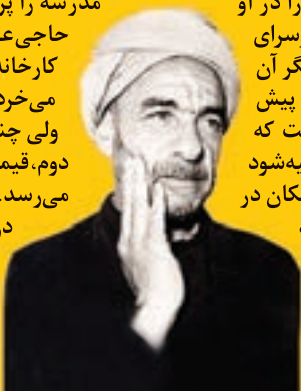
حدود ۳۷ سال از روزی که حاجی عابدزاده از میان ما رفت، می‌گذرد و در این مدت، انجمن پیروان قرآن که متشکل از شاگردان مرحوم عابدزاده هستند، اداره امور مدارس او را برعهده گرفته‌اند. سال ۹۴ نخستین مدرسه حاجی عابدزاده که نخستین مهدیه کشور نیز بود، ثبت ملی شد، اما در سال ۹۵ خبر تخریب شبانه قدیمی‌ترین مهدیه مشهد به گوش مردم رسید تا جای آن را یک ساختمان چندطبقه بگیرد، البته با به میدان آمدن رسانه‌ها و مشهددوستان، مسیر این تخریب تغییر کرد و قرار شد بانی مدارس عابدزاده عین‌به‌عین این ساختمان را بازسازی کند، قراری که البته با گذشت هفت سال هنوز به سرانجام نرسیده است تا علاقه‌مندان به تاریخ و هویت این شهر را دلخوش کند. پیش از این نیز «فاطمیه» با قرار گرفتن در مسیر شارستان و «نقویه» در کوچه کر بلائی به سرنوشت مهدیه دچار شده بودند. در این وضعیت بود که پیشنهاد ثبت دیگر بناهای مرحوم عابدزاده به میراث داده شد تا در فهرست آثار ملی ایران محفوظ بمانند. میراث عابدزاده اکنون با ابهام بازسازی مهدیه، سه اثر ثبتی (سجادیه، باقریه و عسکریه) و شش بنای غیرثبتی (علویه، حسینی، حسینی، جعفریه، کاظمیه و جوادیه) را دربر می‌گیرد که در انتظار اقدام و حمایت سازمان‌های مرتبط هستند تا از نابودی در امان بمانند.

عابدزاده که بود و چرا مدارس دینی ساخت؟

سبب می‌شود علی اصغر عابدزاده همچنان که بیشتر کسب علم می‌کند، رؤیای ترویج دین و احیای قرآن در دلش بزرگ‌تر شود، رؤیایی که با تأسیس انجمن پیروان قرآن در سال ۱۳۲۶ رنگ واقعیت می‌گیرد و با ساخت مدارس دینی ادامه می‌یابد. اما شاید برایتان سؤال باشد که یک آینه‌ساز از کجا هزینه ساخت این تعداد مدرسه را پرداخت کرده است؟ می‌گویند حاجی عابدزاده اواخر سال ۱۳۱۹ برای کارخانه‌اش، مقدار زیادی تین حلبی می‌خرد که هر کدام یک‌شاهی می‌ارزیده، ولی چند ماه بعد با آغاز جنگ جهانی دوم، قیمت هر حلب به‌دانه‌ای پانزده ریال می‌رسد. عابدزاده هم آن‌ها را می‌فروشد و در آن دوران، ۱۰۰ هزار تومان سود نصیبش می‌شود.

در ادامه فکر اینکه با این پول چه کند، برای روزها درگیرش می‌کند اما در نهایت یک‌زمین

مدرسه‌ساز تبدیل شود. روایت‌ها می‌گویند در یک روز برفی که برف‌بازی با دیگر دانش‌آموزان او را حسابی چالنده بود، برای فرار از گلوله‌های برفی به داخل مسجد گوهرشاد، پناهنده می‌شود و به ناچار دمی، پای منبر امام جماعت مسجد می‌نشیند که آن لحظه داشته از خدا، روز معاد و هدف آفرینش انسان می‌گفته. جملات آن سخنرانی، چنان دگرگونی را در او رقم می‌زند که وقتی از صحن‌وسرای گوهرشاد بیرون می‌رود، دیگر آن اصغر حلبی چند ساعت پیش نیست. پس از این هم هست که تصمیم می‌گیرد وارد حوزه علمیه شود و درس دینی بخواند. این امکان در شهریور ۱۳۲۰ مهیا می‌شود و او پای درس مرحوم حاج شیخ هاشم قزوینی زانو می‌زند. این روایت سال‌ها بعد ادامه می‌یابد و



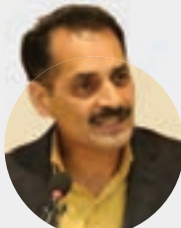
سال ۱۲۹۰ خورشیدی، ابتدای خیابان طبرسی، چسبیده به قبرستان قدیمی مشهد، کوچه‌ای به نام، تقی‌بنگی، یا، شیشه‌گرخانه، بود که بیشتر ساکنان آن کم‌بضاعت بودند، جایی که چراغ خانه زین‌العابدین چراغچی، پدر علی اصغر، در آن روشن می‌شد. اهل محل، زین‌العابدین را به این دلیل که مسئول روشنایی چراغ‌های پیه‌سوز آستان قدس بود، «چراغچی» خطاب می‌کردند اما علی اصغر ادامه‌دهنده کار پدر نشد و برای خودش یک کارگاه کوچک آیینیه‌سازی دایر کرد، کارگاهی که در آن، آیینیه‌های کوچک جیبی با قاب حلبی می‌ساخت. شهرت حلبی هم از اینجا پشت نامش نشست و از آنجا که توی دارودسته داش‌مشتی‌های مشهد پروویایی داشت، همه او را با نام «اصغر حلبی، صدا می‌زدند. اصغر حلبی اما میانه یک روز در زمستان ۱۳۱۹ مسیر زندگی‌اش تغییر کرد تا از یک داش تازه‌پشت لب‌سبز کرده که گاهی توی کارگاهش آیینیه می‌ساخت، به یک کامله‌مرد متدین و خیر

مسئول ثبت آثار تاریخی اداره کل میراث فرهنگی خراسان رضوی، از آمادگی این سازمان برای حفظ مدارس دینی مشهد خبر داد

تبدیل بناهای مرحوم عابدزاده به مجموعه‌های فرهنگی مذهبی

تأثیرگذار مذهبی و فرهنگی و هویتی در اطراف حرم به تدریج نابود شده است و این مدارس به این بافت معنا می‌دهد. همچنین این بناها از اصول معماری سنتی ایرانی پیروی می‌کنند. حیاط مرکزی و نماهای آجری و گاهی کاشی کاری و روابط بین فضاها، همه بیانگر اصالت معماری سنتی ما هستند. ازسوی دیگر، مردم مشهد همچنان با این بناها خاطراتی دارند و بسیاری از شخصیت‌های سیاسی و فرهنگی مبارز و سرشناس، محصول این مدارس هستند. کارشناس میراث درباره خاص بودن شخصیت عابدزاده و کاری که بر سرانجام رسانده است، نیز حرف برای گفتن دارد: «این حرکت، جریان ساز و در ایران منحصر به فرد است. ما خیران مدرسه‌ساز زیادی داریم که مدرسه ساخته‌اند ولی مرحوم عابدزاده یک ساختار و سیستم ایجاد کرده است که برای آن از دولت وقت مجوز گرفت و افراد آموزش دیده نیز مدرک می‌گرفتند. از نظر ما حتی این ساختار قابلیت ثبت دارد،

حیاتش، روش برخورد ما با بناهای باقی‌مانده از او را مشخص می‌کند. همچنین جایگاهی که مرحوم عابدزاده در میان مردم دارد، تاحدود زیادی به وجود این بناها بستگی دارد. اگر این بناها از بین بروند، خاطرات و تأثیر این حرکت ارزشمند نیز از بین خواهد رفت. نمونه‌های زیادی از این دست داریم که پس از نابودی بنا، مالک آن هم از خاطر جمعی مردم رفته است. مسئول ثبت آثار تاریخی خراسان رضوی با گفتن دلایل اهتمام میراث فرهنگی برای ثبت این مدارس، چرایی «واجد شرایط ثبت بودن» آن‌ها را روشن‌تر می‌کند: «شخصیت و نقش مرحوم عابدزاده در روشنگری مذهبی و تأثیر او و مدارش در مشهد دهه ۳۰ به بعد، یکی از دلایل ثبت این آثار است. نکته دیگر اینکه این آثار، داخل بافت تاریخی مشهد قرار دارد که در سال‌های گذشته تا ۹۰ درصد آن‌ها از بین رفته است. فضاهای



واقف در آن‌ها رعایت نشده و از دسترس مردم هم دور شده است. این بناها باید به چرخه فعالیت‌های اجتماعی و فرهنگی محلات اطراف حرم بازگردد. اگر بخواهیم به این مسئله جدی فکر کنیم، کاربردهای بسیار زیادی برای آن متناسب با این محل‌ها خواهیم یافت. اکنون به‌طور مثال اگر مدرسه عسکریه از ثبت خارج شود، با کاربری آموزشی آن چه خواهند کرد؟، با پیش آمدن حرف عسکریه، از او درباره درخواست خروج از ثبت توسط متولی و سرنوشت این مدرسه می‌پرسیم و او پاسخ می‌دهد: «بالاخرین مرجع قضایی این کشور، این رأی را داده است. مرحوم عابدزاده نخواست تولید ثروت کند و با سرمایه‌ای که داشت، مرکز آموزشی ساخت. نیت ایشان، ساخت فضاهایی بود که جوانان را با مسائل مذهبی و فرهنگی ایرانی آشنا کند. رفتار مرحوم عابدزاده در زمان

در ادامه این گزارش، سراغی هم از مسئول ثبت آثار تاریخی، طبعی و حرایم اداره کل میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی خراسان رضوی گرفته‌ایم تا چشم‌انداز سازمان میراث فرهنگی خراسان را درباره مدارس عابدزاده جویا شویم. محمود طغرائی البته تمایلی برای بیان جزئیات مربوط به پرونده مستندسازی بناهای عابدزاده ندارد و به بیان این نکته که «تاکنون چهار مدرسه (باقریه، عسکریه، حسینی و سجادیه) از سازه‌های مرحوم عابدزاده ثبت ملی شده‌اند و مهدیه باید عین‌به‌عین ساخته شود»، اکتفا می‌کند. او همچنین می‌گوید: «اگر مالکان بخواهند میراث عابدزاده را تبدیل به مجموعه‌های فرهنگی مذهبی کنند، میراث نیز به آن‌ها کمک خواهد کرد. ما با این نیت این بناها را ثبت می‌کنیم که مردم از آن‌ها بهره‌مند شوند. تجربه ما نشان می‌دهد که بسیاری از بناهای وقفی اطراف حرم، تخریب و تبدیل به هتل شده‌اند و نیت

